

ادامه از صفحه ۱۷

مجادله با ابتکار مقابل به باگردوغبار

ما متأسفانه در آنجا خشک‌سالی‌های بی‌درپی داریم؛ یعنی جنوب خوزستان وضعیت خشک‌سالی‌اش بسیار بسیار وخیم است.

■ سؤال دیگری که هست این بوده که چرا شما مجوز انتقال آب داده‌اید، زبیرا این کار ممکن است مشکل خوزستان را بیشتر کند؟

من با صراحت تأکید می‌کنم تاکنون هیچ مجوزی برای انتقال آب جدید صادر نشده و هرچه هم تا به‌حال ما اجازه دادیم که بررسی آن انجام شود، فقط و فقط برای آب شرب بوده است. هیچ چیز دیگری غیر از آب شرب را حتی ما اجازه بررسی هم نداده‌ایم؛ یعنی گفتم اصلا کسی حتی حرفش را هم نزنند. این را من بارها گفته‌ام، ولی گوش شنوا نیست و همچنان خبرهای دروغ منتشر می‌کنند، اینکار نمی‌خواهند این چیزها را بشنوند.

■ شما نوشته اینستاگرامی و کامنت آقای علی کریمی فوتبالیست را در حمایت از مردم خوزستان و انتقاد از خودتان دیده‌اید؟

بله.

■ نمی‌خواهید برای قانع‌کردن آقای علی کریمی و افراد دیگری مثل او از جمله هنرمندان و دیگر چهره‌های شناخته‌شده که در این زمینه سؤال برایشان پیش آمده است، کاری انجام دهید؟

چرا، خیلی هم استقبال می‌کنیم و از همین‌جا اعلام می‌کنیم ما آمادگی میزبانی از این عزیزان را داریم و دعوت‌شان می‌کنیم آنها را ببریم خوزستان، مناطق مختلف را به آنها نشان بدهیم، کارهایی که انجام شده و تالاب‌های احیا شده را ببینند و همین‌طور وضعیت را از نزدیک مشاهده کنند. ما مایل هستیم آنها ببینند و ببینند تالابی که خشک بوده و کانون گردوغبار شده بود، با پیگیری‌ها درست شده است. با یک برنامه‌ریزی و یک سیاست مشخص و یک اراده که در دولت شکل گرفت، این موضوع پیگیری شد و به نتیجه رسید.

■ یک سؤال دیگر این است که چرا گردوغبار فقط در ایران می‌آید و در جاهای دیگر خبری از آن نیست؟

گردوغبار یک مسئله جهانی است و اصلا این گفته درست نیست که فقط در ایران رخ می‌دهد، در چین همین مشکل بوده، در آفریقا گردوغبار بیداد می‌کند. کشورهای عربی مانند امارات، دوبی و کویت به‌شدت تحت تأثیر گردوغبار هستند.

■ آیا گردوغبار تنها با ما فرق دارد؟

ممکن است اندازه ذرات غبار آنها فرق کند. گردوغباری که از یک قاره یا یک منطقه دیگر می‌آید در اندازه متفاوت است؛ مثلا گردوغبار عربی که از عراق می‌آید، ریزتر است و وقتی می‌آید در ارتفاع قرار می‌گیرد که گاهی تا هشت کیلومتر ارتفاع گردوغبار است وقتی هم می‌آید آن‌قدر حرکت می‌کند که در نقاط مختلف کشور ما می‌نشینند. این اندازه ذراتش خیلی کوچک‌تر از آن گردوغباری است که در داخل بلند می‌شود.

■ چرا در زمینه همین گردوغبارهای خارجی که می‌گویند به ایران می‌آید، هیچ کاری نمی‌کنید؟
ما حتی از همان روزهای اول شروع به کار دولت سراخ کانون‌های خارجی گردوغبار هم رفتیم. همان اول دولت در سال ۹۲ وقتی من تازه کارم را شروع کرده بودم، رفتم عراق مذاکرات را پیگیری کردیم و در عراق نهال کاشتم و اعلام آمادگی کردیم برای اینکه بخش‌های نهال‌کاری و اجرایی‌شدن را دنبال کنیم. همان‌جا آقای نوری مالکی، نخست‌وزیر وقت عراق، به ما گفت خانم ابتکار سلفی‌ها دارند می‌آید و ۷۰ کیلومتری بغداد رسیده‌اند و گفت من هم قبول دارم که موضوع محیط زیست مهم است و گردوغبار برای شما هم اهمیت دارد؛ اما الان برای ما مسئله و مشکل بودن یا نبودن است، خب این وضع عراق است، متأسفانه اراضی رهاشده کشاورزی در شمال عراق در مرز مشترک و در جاهای مختلف بسیار زیاد است، کانون‌های گردوغبار عراق اگر چه شناسایی شده و این کشور هم برای مقابله با کانون‌هایش طرح‌هایی دارد، اما آنها هم چند مصیبت دارند؛ یکی بحث عدم امنیت است، مصیبت بعدی مسئله کاهش حقایه این کشور از رودخانه‌های دجله و فرات است که با سدسازی‌های ترکیه این مشکل بروز پیدا کرده است. همه اینها دست به دست هم داده و نمی‌شود شکل کانون‌های بحرانی گردوغبار در منطقه را به‌راحتی حل کرد.

■ در این مدت خبرگزاری فارس بسیار به شما انتقاد کرده است. برخی از انتقادات هم بیشتر به حمله و دشمنی شبیه است، نمی‌خواهید به آنها جوابی بدهید؟

چرا ما واکنش نشان دادیم، تاکنون آن‌ها ۴۳۷ مورد تخریب عامدانه علیه سازمان و علیه شخص بنده، دروغ، تهمت و تخریب انجام داده‌اند و مواردی هم بوده که تهمت‌های آشکار زده‌اند و ما شکایت کرده‌ایم، ولی خیلی از کارهایی که کردند واقعا از چارچوب خبرگزاری خارج بود. من واقعا تعجب می‌کنم و می‌گویم این همه ما برای حل مشکلات محیط زیستی کشور کمبود اعتبار و بودجه و... داریم، چطور اینها این‌قدر توان و بودجه دارند؛ هم در بحث شبکه‌هایشان و هم در جاهای دیگر و جقدر وقت و انرژی می‌گذارند و کلیپ می‌سازند صرفا برای تخریب من و سازمان. این کارها واقعا چه نتیجه‌ای دارد؟ البته باید به شما بگویم این کاملا سناریو است و برای الان هم نیست و سه سال است ادامه دارد.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه اول

این موضوع قطعی و غیرقابل تغییر این‌جانب است». با بر دوش احمدی‌نژاد بار نمی‌شود. حمایت مشایی از بقای، روغن ریخته‌ای است که نذر می‌شود.

می‌گویند آمدن مردی که ۲۲۴ روز بازداشت بوده و در دیوان عدالت اداری هم پرونده محکومیت داشت، جدی است. آخرین توبیت منتسب به حمید بقای این است: «ملت بزرگ ایران، بنده مشکلی ندارم و کاری نکرده‌ام که نگران رد صلاحیت شورای محترم نگهبان باشم. به امید خدا و با دعای خیر شما تا آخر ایستاده‌ام». بقای مدعی است این اصلاح‌طلبان هستند که بر شایعه رد صلاحیتش دامن می‌زنند: «افراد وابسته به جناح به‌اصطلاح اصلاح‌طلب! در رسانه‌ها گفته‌اند: «بقای آمده که رد صلاحیت شود. وی با توجه به محکومیتی که دارد قطعاً رد صلاحیت خواهد شد». عبدالرضا داوری از نزدیکان او هم که از روز اعلام نامزدی حمید بقای، همه توبیت‌هایش درباره اوست: «تردید ندارم که بامداد شنبه ۳۰ اردیبهشت ۹۶ را با خبر پیروزی مهندس حمید بقای در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز خواهیم کرد». تحلیل: چرا تأیید صلاحیت مهندس حمید بقای در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ قطعی است؟.

اگر از بازی قدرت و سیاست فعلا کنار مانده‌اند؛ اما سیاست‌ورزان خوبی هستند. از این منظر که می‌دانند از فضای انتخاباتی باید بهره جست. فارق از نتیجه ماجرا که می‌تواند به رد صلاحیت حمید بقای منجر شود- اتفاقی که بعید نیست- اما بهانه انتخابات، فرصت خوبی برای عرض اندام است؛ برای مثال می‌تواند باعث شود اسفندیار رحیم‌مشایی که غایب از انظار بود، به این بهانه پیدایش شود و پیاران احمدی‌نژاد که به‌واسطه تپی رئیس سابق دولت از بازگشت به عرصه سیاست انتخاباتی، سرگردان و پراکنده بودند، به این بهانه باز گرد هم آیند.
کنندگان ۹۶ فرصتی است تا احمدی‌نژادی‌ها کادربازی پراکنده را جمع آورند. کم‌کم قوای خود را برای ۱۴۰۰ بازیابی کنند؛ سالی که نه ارتباطی به مشایی دارد و نه بقای؛ می‌تواند سال بازگشت احمدی‌نژاد باشد.

۲۱ اردیبهشت ۹۲ احمدی‌نژاد بعد از سه روز روزه‌گرفتن و ۱۴ هزار نذر صلوات، به قول خودش بعد از هشت سال، مرخصی گرفت که بتواند حماسه‌ای خلق کند. دست مشایی را گرفت و به ستاد انتخابات وزارت کشور رفت. آنجا به خبرنگاران گفت: «من آقای مشایی ۲۸ سال است که می‌شناسم، وی فردی مؤمن، پاک و کارآمد است، او عمیقاً باورمند به ارزش‌های الهی و اصول برآمده از اندیشه امام است و عمیقاً به توانمندی‌های عظیم ملت ایران باور دارد. مشایی همه قوت‌های این دولت و برادر کوچکش احمدی‌نژاد را دارد و نقاطی برجسته و کامل‌تر و بالاتر از آن دارد».

احمدی‌نژاد آن روز با بیان اینکه مشایی یعنی احمدی‌نژاد و احمدی‌نژاد یعنی مشایی گفت:

«انتخابات حق ملت است و ملت ما نشان داده است که بهترین انتخاب‌کننده است، همه باید به انتخاب مردم تسلیم باشند و از منتخب ملت حمایت کنند. من باور دارم ملت بزرگ ایران با خلق حماسه عظیم جایگاه خودش را در جهان ارتقا خواهد داد و رنگ یاس را بر چهره بدخواهانش خواهد پاشید».

احتمالا این صحنه‌ها دوباره تکرار شود. مشایی دست بقای را بگیرد و به وزارت کشور برود تا ثابت کند احمدی‌نژادی‌ها به این راحتی‌ها حاضر به کناره‌گیری از صحنه سیاست نیستند.

روایت ۲ دل‌داده

«ببینید ارادت بنده به ایشان خیلی زیاد است، البته موضوع فامیلی موضوع مهمی است. من این را بی‌اهمیت جلوه نمی‌دهم؛ اما من تا به‌حال به آقای احمدی‌نژاد از بابت فامیلی نگاه نکرده‌ام، یعنی این حس اصلا در من پدید نیامده که ما فامیلم، چون خیلی جلوتر از حس فامیلی، احساسی قوی‌تر، شاداب‌تر و پرمعناتر وجود دارد، آن احساس برادری که ما در مفاهیم دینی داریم، یکی از مصادیق برجسته‌اش همین‌جاست. بعضی‌ها معتقدند که دوست از برادر بالاتر است. حالا برادری خودش خیلی است دیگر، ما اگر دوست را بالاتر از برادر بدانیم؛ این رابطه یک رابطه دوستانه بسیار عمیق و سطح بالا است. خداوند لطف کرد و از برکت همین وصلتی که با خانواده دکتر احمدی‌نژاد داشتیم، یک فرزند دختر خوب نصیب کرد که نوه مشترک بنده و آقای احمدی‌نژاد است. برای ایشان نوه پسری و برای بنده نوه دختری است، نامش هم «زهر» است». این سخن کسی است که احمدی‌نژاد به خاطرش همه را کنار زد، حتی بخشی از هیئت دولت را. مشایی مختار بود در همه امور دخالت کند و هر اعتراضی به حذف منتقد منجر می‌شد. پای صحبت کت‌کت

سیاست



حمایت مشایی از نامزدی بقای

وزرا با اعضای سابق دولت نهم و دهم که کم‌کم از قطار دولت پیاده شدند، بنشینید، از این روایت‌های حذف کم ندارند. روایت‌های بسیاری هم رسانه‌ای شده است. اوج حمایت احمدی‌نژاد از او، به ماجرای انتصاب مشایی به سمت معاون‌اولی دولت دهم و مخالفت رهبری با آن بازمی‌گردد. ۲۷ تیرماه ۸۸ احمدی‌نژاد که تازه یک ماهی بود دوباره رئیس دولت شده بود، مشایی را معاون‌اول کرد. در نامه انتصاب احمدی‌نژاد آمده بود: «این‌جانب جناب‌عالی را انسانی خودساخته و مؤمن، دلباخته حضرت صاحب‌الزمان(عج) و با تعهدی آگاهانه و عمیق به خط نروانی ولایت و مبانی جمهوری اسلامی و خدمتگزاری توانمند و صدیق به ملت الهی و عزیز ایران می‌شناسم و طبق اصل ۱۲۴ قانون اساسی به سمت معاون اول رئیس‌جمهور برمی‌گزینم». رجا، واقع دارم همکاران خوبم در دولت، با هماهنگی و همدلی، شما را در انجام مأموریت‌های یاری خواهند کرد». در نامه رهبری خطاب به احمدی‌نژاد که درست یک‌روز بعد نوشته شد، آمده بود: «بسمه تعالی، جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، با سلام و تحیت. انتصاب جناب آقای اسفندیار رحیم‌مشایی به معاونت رئیس‌جمهور برخلاف مصلحت جناب‌عالی و دولت و موجب اختلاف و سرخوردگی میان علاقه‌مندان به شما است. لازم است انتصاب مزبور ملغی و کان‌لم‌یکم اعلام گردد».

سمت‌های مشایی از زمانی که در کنار احمدی‌نژاد بوده عبارت بوده است از: «رئیس سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران در زمان شهرداری احمدی‌نژاد، معاونت ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران در دولت اول او. معاون‌اول یک‌هفته‌ای در سال ۸۸، رئیس دفتر ریاست دولت،

ریاست دبیرخانه جنبش عدم تعهد، مشاور رئیس دولت، دبیری کمیسیون فرهنگی دولت، ریاست شورای هماهنگی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، ریاست گروه مشاوران جوان رئیس دولت، ریاست کارگروه زیارت و فرهنگ رضوی، جانشین رئیس دولت در شورای‌عالی امور ایرانیان خارج از کشور، ریاست مرکز ملی جهانی‌شدن، ریاست شورای اطلاع‌رسانی دولت ایران و نمایندگی ویژه رئیس دولت در امور خاورمیانه. در این ماه‌های آخر ریاست احمدی‌نژاد بر دولت مدام هم بر سمت‌های مشایی افزوده می‌شد و هم بر حضور عمومی و رسانه‌ای‌اش».

کلایه بار قدیمی

آیت‌الله مصباح‌یزدی که زمانی گفته بود اطاعت از احمدی‌نژاد اطاعت از خداست در زمانه‌ای که مشایی محبوب قلب احمدی‌نژاد شده بود گفت: «بهره هوشی این شخص به قطعیت دوست و دشمن از حد متعارف بالاتر است. پس چگونه شیفته یک شخص عادی می‌شود؟ آن هم شیفتگی‌ای که چنین حرکات نامعقولی از او سر بزند! یک وقتی به برخی از دوستان نزدیکم گفتم که بیش از ۹۰ درصد معتقدم که او سحر شده است! آن وضعیت ابداع طبیعی نیست، هیچ آدم عاقلی چنین کارهایی نمی‌کند، مگر آنکه اختیار از او سلب شده باشد. این کارها هیچ توجیهی ندارند. یک وقت کسی اشتباهی می‌کند، آن‌وقت هرچه او اشتباه می‌کند، این فرد می‌آید و توجیه می‌کند! کسی که ۱۰ تا دوست دارد، ۹ تا دوستش را می‌گذارد کنار و کارهای دهمی را توجیه می‌کند! آیا این یک کار عاقلانه است که انسان دانا به آن نفر اعتراض کند و حتی یک بار هم به آن دهمی اعتراض نکند؟ چطور همه اشتباه می‌کنند و کنار زده می‌شوند، اما این یکی می‌شود مطلق و هرچه می‌گوید درست است؟ این قضیه اصلا توجیه ندارد، اما گفتن این حرف‌ها عوامانه است و کاری است که پیرزن‌ها می‌کنند. زن و شوهرها سر هر قضیه‌ای که دعوا می‌کنند، این‌ها قانون شده‌اند-حضورا. حرف عامیانه‌ای بود که بگویمم لاید او را جادو کرده‌اند. حرفی نبود که بشود همه جا زد، مضاف بر اینکه ما خودمان هم اهل این کارها نبودیم. نه پدرمان جادوگر بود، نه خودمان این‌کاره بودیم... بعد روی کارها و حرف‌های شخص جنجال‌آفرین حساس شدیم، دیدیم خیلی حرف‌های بوداری است و اصلا حرف‌های ساده‌ای نیست. بنده روزه‌روز و اصلا حرف‌های ساده‌ای نیست. البته زمانی فیصل، وزیر امور خارجه قبلی عربستان، در تهران اذعان کرد برای برداشتن دشمنان عربستان حاضرند با شیطان هم پیمان ببندند. از سوی دیگر ترکیه هم که در جریان به‌اصطلاح کودتای اخیر، دست به دامن ایران شد و از پشتیبانی ایران برخوردار شد و همین جوشش اوغلو می‌شد که کوبد تا صبح با آقای دکتر طریف در تماس تلفنی بود تا از کمک و مساعدت ایران بهره‌مند شود و شاید اگر کودتا موفق می‌شد آقای اوغلو راهی ایران می‌شد، اکنون در هم‌پیمانی با عربستان و اسرائیل چگونه وقیحانه به نقش ایران می‌تازد. این نشان می‌دهد چقدر دوستی‌ها در سیاست خارجی سیال هستند و به قول معروف «هر روز شان خودش را دارد». همین دو کشور که شش سال پیش برای تغییر حکومت عراق و سوریه دست به تجهیز القاعده، داعش و سایر تروریست‌ها زدند و تصور می‌کردند با آوردن آمریکا و اروپا می‌توانند به رؤیاهای خود در ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده نایل آیند، اکنون این رؤیایها را بربرارفته می‌بینند. آنان با شیطان که امروز در لباس ترامپ و نتانیاهو ظاهر شده، هم‌پیمان شده‌اند تا ناکامی و شکست خود در آن صحنه‌ها را جبران کنند. ناگفته نماند عربستان که قرار بود به‌خاطر نتایج تحقیق ۱۱ سپتامبر، هدف اصلی برخورد جمهوری‌خواهان در دوران پیس از اواباما باشد، به‌سرعت از وضعیت ترامپ استفاده و جای خود را با ایران عوض کرد. این دستاورد ملموس دیپلماسی پنهان عربستان به‌شمار می‌رود. اما سؤال اصلی این است که چه باید کرد؟ بی‌شک ایران باید با چشم‌های باز بنبذیر آرایش منطقه و جهان عوض شد و شکلی جدید از ائتلاف دشمنان قدیمی علیه کشورمان به وجود آمده و ما یک‌تنه با یک ائتلاف جهانی مواجه شده‌ایم. از لایه‌لای گفتار و اظهارنظرهای تیم جدید ترامپ برمی‌آید که عربستان هزینه مالی «دن سر مار» را تضمین کرده و این عین استراتژی ترامپ و قول‌های انتخاباتی اوست. در این شرایط ایران باید از ظهور و بروز نظامی خود کاسته و صحنه تبلیغاتی را به دیپلماسی پنهان و آشکار واگذارد تا ائتلاف علیه خود را بشکند. می‌دانیم دکتر طریف به‌خوبی از عهده این امر برمی‌آید. از سوی دیگر، سرتاسر عالم به اندازه کافی از ترامپ و از سیاست‌های نامعقول و مملکردهایش دلخور هستند. هر روز در جهان و به‌ویژه در آمریکا علیه ترامپ تظاهرات می‌شود و او را بیشتر منتقض و منزوی می‌کنند. حتی احتمال استیضاح ترامپ به دلیل نقض منافع و امنیت ملی آمریکا محتمل‌تر می‌شود؛ بنابراین بستر عمومی برای دیپلماسی فعال ایران کاملا فراهم است و قدرت‌های جهانی هم از اینکه نظم به‌دست‌آمده بعد از جنگ سرد از سوی ترامپ به‌هم‌ریخته شده، به شدت نگران هستند. اتحادیه اروپا می‌تواند همکار طبیعی ایران در این مواجهه منطقه‌ای باشد؛ زیرا اروپا قویا به مبارزات ضدتروریستی ایران باور دارد، اهداف جبهه متشکل از عربستان، اسرائیل و ترکیه را هم می‌شناسد و سیاست‌های جهانی ترامپ را نیز قبول ندارد. در شرایط حاضر جهانی هم، اروپا بیشترین تأثیر را بر سیاست‌های آمریکا دارد و در مرحله بعد ژاپن، کانادا، استرالیا و آنکه چین و روسیه قرار دارند. نزدیک سیاسی و اقتصادی به اتحادیه اروپا باید به‌سرعت به نبرد دیپلماتیک با جبهه ائتلاف علیه خود اقدام کنیم.

ادامه از صفحه اول

توطئه علیه ایران در غیاب اواباما

درواقع ترامپ تعادل و توازن قوا در منطقه خاورمیانه را برهم زده و افسارگری را که بارک اواباما بر گردن اسرائیل، عربستان و ترکیه در هشت سال گذشته انداخته بود و اجازه تجاوزطلبی، ابراز و اعمال خصوصت این سه کشور علیه ایران نمی‌داد، اکنون از سوی او برداشته شده و حتی به تشویق و برنامه‌ریزی برای متحدرکن دشمنان منطقه‌ای ایران دست زده است. بی‌شک متصفانه نیست اگر تصور کنیم سیاست‌های آقای اواباما همچون سیاست‌های جورج بوش یا دونالد ترامپ، خصوصت کامل علیه ایران بوده و اواباما چاره‌ای جز توافقت هسته‌ای با ایران نداشته است. اواباما می‌توانست به‌جای مذاکرات و توافق هسته‌ای، مانند دور رئیس‌جمهور قبل و بعد خودش رفتار کند و فشارهای سیاسی، اقتصادی و تهدیدات نظامی را علیه ایران افزایش داده و انرژی ایران را به هدر دهد. او می‌توانست قطع‌نامه ۲۲۳۱ را در پشتیبانی توافق هسته‌ای قرار ندهد تا این توافق از نظر حقوقی شکننده باشد. او می‌توانست دست جمهوری‌خواهان تندرو را علیه ایران باز گذارد تا نه‌تنها تحریم‌های گوناگون لغو نشود؛ بلکه تحریم‌های جدیدی علیه ایران تصویب شوند. آقای اواباما کافی بود افسار را از گردن عربستان، اسرائیل و ترکیه بردارد تا آنها مج پای ایران را بگیرند و از تحرک ایران و نقش و نفوذ آن در خاورمیانه جلوگیری کنند. اواباما می‌توانست در قضیه به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی سوریه، به پیاده‌کردن نیرو در این کشور بپردازد و امروز وضعیت پس از صدام عراق، شامل سوریه هم می‌شد. شاید ایران متوجه نشد که فرصت‌هایی در دوران آقای اواباما برای ایران وجود داشت که می‌توانست اتصالات خود را آن‌چنان مستحکم کند که در دوران ترامپ این‌قدر ضربه‌پذیر نباشد و از سوی منطقه مرکز تهاجم سیاسی قرار نگیرد. به‌رحال مهار سه کشور عربستان، اسرائیل و ترکیه در دوران اواباما باعث شد اتحادی نامرئی مقابل ایران بین سه کشور فوق به وجود آید که به محض ابراز دشمنی ترامپ، خود را نشان داد. عربستان چندین دهه تلاش می‌کرد در رقابت با سایر رهبران عرب، رهبری مبارزات کشورهای اسلامی را علیه اسرائیل در دست گیرد؛ ولی هم‌زمان در قلب خود برای ایجاد رابطه با اسرائیل در تئوتاب به سر می‌برد و فقط حفظ ظاهر در نزد مسلمان مانع این رژیم بود. البته زمانی سعید فیصل، وزیر امور خارجه قبلی عربستان، در تهران اذعان کرد برای برداشتن دشمنان عربستان حاضرند با شیطان هم پیمان ببندند. از سوی دیگر ترکیه هم که در جریان به‌اصطلاح کودتای اخیر، دست به دامن ایران شد و از پشتیبانی ایران برخوردار شد و همین جوشش اوغلو می‌شد که کوبد تا صبح با آقای دکتر طریف در تماس تلفنی بود تا از کمک و مساعدت ایران بهره‌مند شود و شاید اگر کودتا موفق می‌شد آقای اوغلو راهی ایران می‌شد، اکنون در هم‌پیمانی با عربستان و اسرائیل چگونه وقیحانه به نقش ایران می‌تازد. این نشان می‌دهد چقدر دوستی‌ها در سیاست خارجی سیال هستند و به قول معروف «هر روز شان خودش را دارد». همین دو کشور که شش سال پیش برای تغییر حکومت عراق و سوریه دست به تجهیز القاعده، داعش و سایر تروریست‌ها زدند و تصور می‌کردند با آوردن آمریکا و اروپا می‌توانند به رؤیاهای خود در ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده نایل آیند، اکنون این رؤیایها را بربرارفته می‌بینند. آنان با شیطان که امروز در لباس ترامپ و نتانیاهو ظاهر شده، هم‌پیمان شده‌اند تا ناکامی و شکست خود در آن صحنه‌ها را جبران کنند. ناگفته نماند عربستان که قرار بود به‌خاطر نتایج تحقیق ۱۱ سپتامبر، هدف اصلی برخورد جمهوری‌خواهان در دوران پیس از اواباما باشد، به‌سرعت از وضعیت ترامپ استفاده و جای خود را با ایران عوض کرد. این دستاورد ملموس دیپلماسی پنهان عربستان به‌شمار می‌رود. اما سؤال اصلی این است که چه باید کرد؟ بی‌شک ایران باید با چشم‌های باز بنبذیر آرایش منطقه و جهان عوض شد و شکلی جدید از ائتلاف دشمنان قدیمی علیه کشورمان به وجود آمده و ما یک‌تنه با یک ائتلاف جهانی مواجه شده‌ایم. از لایه‌لای گفتار و اظهارنظرهای تیم جدید ترامپ برمی‌آید که عربستان هزینه مالی «دن سر مار» را تضمین کرده و این عین استراتژی ترامپ و قول‌های انتخاباتی اوست. در این شرایط ایران باید از ظهور و بروز نظامی خود کاسته و صحنه تبلیغاتی را به دیپلماسی پنهان و آشکار واگذارد تا ائتلاف علیه خود را بشکند. می‌دانیم دکتر طریف به‌خوبی از عهده این امر برمی‌آید. از سوی دیگر، سرتاسر عالم به اندازه کافی از ترامپ و از سیاست‌های نامعقول و مملکردهایش دلخور هستند. هر روز در جهان و به‌ویژه در آمریکا علیه ترامپ تظاهرات می‌شود و او را بیشتر منتقض و منزوی می‌کنند. حتی احتمال استیضاح ترامپ به دلیل نقض منافع و امنیت ملی آمریکا محتمل‌تر می‌شود؛ بنابراین بستر عمومی برای دیپلماسی فعال ایران کاملا فراهم است و قدرت‌های جهانی هم از اینکه نظم به‌دست‌آمده بعد از جنگ سرد از سوی ترامپ به‌هم‌ریخته شده، به شدت نگران هستند. اتحادیه اروپا می‌تواند همکار طبیعی ایران در این مواجهه منطقه‌ای باشد؛ زیرا اروپا قویا به مبارزات ضدتروریستی ایران باور دارد، اهداف جبهه متشکل از عربستان، اسرائیل و ترکیه را هم می‌شناسد و سیاست‌های جهانی ترامپ را نیز قبول ندارد. در شرایط حاضر جهانی هم، اروپا بیشترین تأثیر را بر سیاست‌های آمریکا دارد و در مرحله بعد ژاپن، کانادا، استرالیا و آنکه چین و روسیه قرار دارند. نزدیک سیاسی و اقتصادی به اتحادیه اروپا باید به‌سرعت به نبرد دیپلماتیک با جبهه ائتلاف علیه خود اقدام کنیم.

چهره‌نگار

آیت‌الله جنتی ۹۱ ساله شد



پنهانه:

۹۱ساله‌شدن احمد جنتی

بهانه برای نوشتن از احمد جنتی به دلیل مسئولیت‌های پرشمار و اظهارنظرهای پرزاتایش فراوان است، اما آنچه سبب شد امروز کارنامه

خبری او را بررسی کنیم، پشت‌سرگذاشتن ۹۰ سالگی‌اش است. دبیر شورای نگهبان متولد سوم اسفند ۱۳۰۵ است. به‌این‌ترتیب اکنون رسماً وارد نودویکمین سال زندگی خود شده است.

شناخته‌ا:

صادره از اصفهان

در روستایی در نزدیکی اصفهان به دنیا آمد. لادن، زادگاه او، اکنون با گسترش شهر، بخشی از اصفهان به‌شمار می‌رود. نامش را احمد گذاشتند، پدرش، ملاهاشم جنتی، از روحانیون بنام منطقه بود. به مرکز رفت و بعدها وارد حوزه علمیه اصفهان شد و دوره ادبیات عرب و مقدمات سطح را در آنجا فراگرفت. در سال ۱۳۲۴ برای ادامه تحصیل جزوی راهی قم شد. از جمله طلابی بود که در قم انگلیسی را در کنار دروس حوزه فراگرفت و تا درجه اجتهاد پیش رفت.

در ایام فعالیت با صدیقه طاهری-جان‌نثاری- ازدواج کرد و ماحصل این ازدواج چهار پسر به نام علی، حسن، حسین و محمد شد. همسرش در نوروز ۹۴ و هنگامی که برای دیدار با اقوام خود به اصفهان رفته بود، به دلیل کوهلوت سن و ایست قلبی فوت کرد. علی، پسر او، به‌واسطه منثس سیاسی و

آیت‌الله جنتی

مردی با ۵ سمت دائمی کارنامه سیاسی احمد جنتی قطور است؛ از مبارزات انقلابی‌اش علیه رژیم شاه گرفته‌که با حضور در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در اوایل دهه ۴۰ شدت گرفت و هدفمند شد تا حضورش در جامعه روحانیت مبارز - به‌ویژه از اواسط دهه ۷۰- که به امضای ذیل همه سمت‌ها و رفت‌وآمدهای سیاسی‌اش بدل شد.

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی

آیت‌الله جنتی